

یک اتفاق ساده

مخاطب حرف‌های رئیس‌جمهور در مراسم افطار با هنرمندان که بود؟



«**کیوان کتیریان**»

● دروغ چرا؟ واقعیتش این است که آقای رئیس‌جمهور در ضیافت افطار با هنرمندان به نکته تازه‌ای اشاره نکرد. آن شوروحال روزهای اول را هم نداشت. اما حرف‌های کلی درستی زد. گرچه به نظر می‌رسید آقای روحانی مکان و مخاطب گفته‌های خود را درست انتخاب نکرده. ایشان این سخنان را پیش از اینها نخست باید خطاب به وزیر ارشاد خود می‌گفت.

اصولا آقای روحانی درباره حوزه فرهنگ بسیار مختصر، کوتاه و کلی حرف می‌زند. عجیب هم نیست. دغدغه جدی ایشان این حوزه نیست و طبعاً و متأسفانه اولویت‌های دیگری جز فرهنگ دارد.

اما اینکه رئیس‌جمهور می‌گوید «آنچه در کشور ما باید معیار باشد قانون است نه اعمال سلیقه. هنر خلاق بدون مداخله سلیقه‌ها محقق می‌شود» را هنرمند، خوب می‌داند و اصلاً مطالبه‌اش از مدیران همین است.

اینکه «هنر خلاق با آزادی و امنیت کامل امکان‌پذیر است» حرف دل هنرمندان است، اما مسئول برقراری امنیت و آزادی فرهنگی کیست؟ اینکه «با دست‌های لرزان و دل‌های ترسان نمی‌شود اثر خلاقانه هنری خلق کرد» را هنرمندان خودشان بهتر از هرکسی می‌دانند اما مسئول آرام‌کردن دست و دل‌های لرزان هنرمند، کیست؟

اینکه «تمام تلاش دولت این است که زمینه و فضای مناسب را برای هنرمندان جامعه به وجود بیاورد» معنایش این است که بالاترین حد تلاش دولت همین‌قدر است؟ یعنی تمام زور دولت در عرصه فرهنگ همین اندازه است؟

اینکه «ما باید زمینه را برای فضای مناسب برای تبلور آثار هنری آماده کنیم» شعار قشنگی است ولی چه کسی باید این‌کار را بکند و چه‌وقت؟

اینکه رئیس‌جمهور می‌گوید «این‌طور نیست که این دولت فقط به فکر سیاست خارجی و اقتصاد باشد، این دولت به فکر خواست مردم است» تلویحاً معنایش این است که چون فرض اولیه بر این است که اقتصاد برای مردم مهم‌تر از فرهنگ است و فرهنگ در سید توجه مردم نیست، نهایتاً در دایره توجه و اولویت دولت هم قرار ندارد.

اینکه «تنگ‌نظری همه‌جا وجود دارد، از تنگ‌نظری نمی‌هراسیم. راهمان را ادامه می‌دهیم» حرف قشنگی است اما آیا عملکرد دولت و وزیر ارشاد نیز منطبق بر همین جمله است؟

یعنی باور کنیم که آقای رئیس‌جمهور از وضعیت ممیزی و بی‌اعتباری مجوزهای دولتی در همه حوزه‌های فرهنگی، اعم از موسیقی، سینما، کتاب، تئاتر، بی‌خبر است؟

یعنی باور کنیم که رئیس‌جمهور یادش رفته در سخنانش در اولین دیدار با هنرمندان و در تالار وحدت چه گفت؟ یادش رفته چندبار با حرف‌های آتشپیش که حرف دل اهل فرهنگ بود، جمله‌به‌جمله تشویق آنها را برانگیخت؟ فراموش کرده چه چیزها درباره ممیزی آثار هنری گفت؟

آیا باور کنیم خود وزیر ارشاد حرف‌هایی را که در اولین مصاحبه بعد از وزارتش به زبان آورد فراموش کرده است؟ او در آن مصاحبه به‌ویژه درباره اعتبار مجوزهای صادره در همه عرصه‌ها وعده‌های امیدوارکننده مختلفی داد که در سه‌سال گذشته عملاً به غالب آنها پایبند نبوده است.

مگر می‌شود باور کرد که ایده آل دولت روحانی در حوزه فرهنگ این باشد که حالا هست؟

به‌هررو شاید بد نباشد یک‌بار دیگر وعده‌ها و سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های سه‌سال اخیر رئیس‌جمهور محترم و وزیر گرمای را مرور کنیم و ببینیم در این سه‌سال چقدر از وعده‌هایشان محقق شده و چقدر به حرف‌هایشان وفادار بوده‌اند.



فرانک آرتا، قاطبه کارشناس و تحلیل‌گران، اقتصاددانان و تهیه‌کنندگان سینما از هر نوع گرایش فکری معتقدند جهت فریه‌شدن اقتصاد سینمای ایران، بدون تردید تزریق سرمایه‌های بخش خصوصی به رگ‌های پیکره نحیف سینما یکی از راهکارهای مؤثر است و از این طریق می‌توان به ریشه‌های اقتصادی کم‌بینه سینمای ایران کمک کرد. با وجود اینکه سال‌هاست سینمای ایران به اعتبارات مالی دولت‌ها و انواع و اقسام وام‌های بانکی متکی است، اما به مرور با اتخاذ روش‌های علمی اقتصادی می‌تواند در مسیر درست ساختار عرضه و تقاضا قرارگیرد. هرچند بارقه‌ای از این سرمایه‌ها به طور آزمایشی به سینمای ایران ورود پیدا کرد، اما در نهایت تجربه موفقی نشد. نمونه عینی این مسئله حضور بابک زنجانی در عرصه سرمایه‌گذاری در سینما بود. اولین‌بار نام بابک زنجانی به‌عنوان سرمایه‌گذار در فیلم «هیچ‌کجا، هیچ‌کس» به کارگردانی ابراهیم شیبانی مطرح شد. آن زمان کسی او را نمی‌شناخت و تنها به‌عنوان یک تاجر پولدار مطرح شده بود. اما باید گفت در تیتراژ فیلم هیچ اسمی از زنجانی نبود. بعداً که مسائل اقتصادی و بحث دوزدن تحریم‌ها علنی شد و رئیس‌جمهور سابق ایران در صحن علنی مجلس شورای اسلامی از فردی به نام «ب. ز.» نام برد، حساسیت‌ها به این سمت رفته و از معماری بابک زنجانی، رمزگشایی شد. اما برای نخستین‌بار خبرنگاران در افتتاحیه فیلم «نقش نگار» به کارگردانی علی عطشانی، با چهره بابک زنجانی مواجه شدند. شاید آن زمان به اذهان این سیؤل‌ها خطور می‌کرد که آیا قرار است کسی در قامت «هوارد هیوز» وارد سینمای ایران شود و سرمایه‌های جدید همراه با رؤیاپردازی‌های پرزرق‌وبسرق را با خود همراه کند؟ هوارد هیوز، همان تهیه‌کننده معروف

عسل عباسیان، نادر برهانی‌مرند، کارگردان و نمایش‌نامه‌نویس ایرانی که در کارنامه کاری‌اش روی‌صحنه‌بردن آثاری همچون «شب‌های آوینیون»، «تنهاترین زیبای مرده»، «کابوس‌های یک پیرمرد خائن ترسو»... به چشم می‌خورد، در پنج‌دقیقه با ما از آرزوها و برنامه‌هایش گفت.

● **این روزها به چه کاری مشغول هستید؟**

به طور ناخواسته دوران فراغت از رادیو و فعالیت‌های رادیویی را می‌گذرانم و به‌شدت روی نوشتن متمرکزم. نمایش‌نامه‌هایی برای اجرا آماده می‌کنم و قصد دارم آنها را برای انتشار به ناشر سپارم. با نشر بوتیمار قراردادی دارم که بناست همه آثارم را منتشر کند. البته چند نمایش‌نامه را هم منتشر کرده و باقی را هم به‌زودی منتشر می‌کنم.

کاری را برای همسرم (آزاده انصاری) نوشته‌ام و در مقام مشاور اجرا نیز در کنار او هستم. این نمایش که «خوشبختی‌های کوچک سوگس‌شدن» نام دارد، براساس «مسخ» کافکااست و از مردادماه در تئاتر شهر روی صحنه خواهد رفت. این هم بخشی از فعالیت این روزهایم است. در این ایام به طور مستمر می‌نویسم و محصول این کار مستمر، کامل‌شدن یکی از نمایش‌نامه‌های ناقصم بود به اسم «سردار». قصد دارم به بهانه جشنواره تئاتر رضوی این نمایش را در بجزورد اجرا کنم. در تدارک آن اجرا هستم و به‌زودی اولین تمرین‌ها را شروع می‌کنیم. نمایش‌نامه «کمپ سیزده» را هم دارم آماده می‌کنم که اواخر امسال آن را در سالن اصلی اجرا کنم و قصدم این است که آن را در جشنواره تئاتر فجر هم روی صحنه ببرم و اجرای عمویش را بلافاصله شروع کنم. البته به‌زودی تمرینات بازتولید یکی از کارهای قبلی‌ام را آغاز می‌کنم تا آن را در آذر و روی روی صحنه تالار مسعودیه ببرم.

● **تئاتر به‌تازگی دیده‌اید که برایتان جالب باشد؟** اخیراً خیلی اجرا ندیده‌ام به این دلیل که درگیر تمرین کار همسرم هستم و ۲۴ساعته مشغول نوشتنم.

فعال اقتصادی در راه سینما

«شهرام جزایری» وارد می‌شود



سینمای آمریکااست که مؤسس صنعت هوانوردی ایالات متحده نیز بود. او در دوران خود فیلم‌های پرشکوه و بزرگی ساخت و روایی آمریکایی را به نمایش گذاشت. اما در نزدیک‌شدن به زنجانی و پرسش از او هیچ کدام از این ذهنیات شکل نگرفت. او فقط آمده بود در سینمای سرمایه‌گذاری کند و بعد هم به سود برسد. همین!

در آن مراسم، زنجانی امیر جعفری را به‌عنوان مشاور خود معرفی کرد. بعد از آن در فیلم «سیزده» به کارگردانی هومن سیدی سرمایه‌گذاری کرد که البته امیر جعفری هم یکی از بازیگران فیلم بود.

اما به‌تدریج که فساد اقتصادی در رسانه‌ها پیگیری شد، بابک زنجانی دستگیر شد و همه به اصطلاح پیش‌زمینه‌ها به عبارت دقیق‌تر به هوا رفت. حالا این روزها صحبت از ورود شهرام جزایری به دنیای سینماست. اما پرسش این است: چگونه؟

این سؤال را با او درمیان گذاشتیم و جزایری در پاسخ به «شرق» گفت:



نادر برهانی‌مرند، نمایش‌نامه‌نویس و کارگردان

تنهایی در جاده راندن

ولی تعریف تئاترهای خوب را زیاد شنیده‌ام و به‌زودی آنها را تماشا می‌کنم. تعریف «بیگانه» به کارگردانی مسعود دلخواه را شنیده‌ام که امیدوارم بتوانم آن را ببینم. «افسانه بیر» هادی‌عامل را البته دیدم و دوست داشتم. تعریف «صوراسرافیل» عامر مسافرآستانه را هم شنیده‌ام ولی هنوز نتوانسته‌ام آن را ببینم. جزء برنامه‌های من است که «مجلس ضربت‌زدن» محمد رحمانیان را ببینم و بسیار مشتاقم بازی امیر جعفری را در این نمایش تماشا کنم.

● **برای الهام‌گرفتن در فعالیت هنری‌تان به کجا می‌روید؟**

معمولاً از رفتن به جایی الهام نمی‌گیرم. بیشتر در خلوت خودم و با خواندن رمان و کتاب برایم الهام اتفاق می‌افتد و چندان وابسته به یک مکان خاص نیست، اگر هم وابسته باشد، خودم از آن آگاه نیستم.

کامبیز درم‌بخش و علیرضا آدم‌بکان از اوتیسم گفتند

«هنر برای اوتیسم» در فرهنگ‌سرای نیاوران

روماتیسم است. یکی از اهداف اولیه این نمایشگاه این است که بگوییم اوتیسم به چه معناست؟ بعضی‌ها آن را به‌عقب‌ماندگی معطوف می‌کنند و به‌همین‌دلیل این نمایشگاه خیلی مفید است. همین که حدود ۶۰ هنرمند در این نمایشگاه شرکت کرده‌اند، نشانه علاقه آنها به مردم و کمک به مسائل اجتماعی است. من همیشه به این کارها علاقه داشته‌ام و در برنامه‌هایی که در این زمینه برگزار می‌شود، شرکت می‌کنم همچون کودکان کار، بهنام دهنی‌پور، محک و...».علیرضا آدم‌بکان، دیگر نقاش حاضر در مراسم افتتاحیه، هم به «شرق» گفت: «من خانواده‌هایی را می‌شناسم که فرزندانشان مبتلا به اوتیسم بودند و سعی کردم از طریق هنر و نقاشی، کاری برایشان انجام دهم. به‌همین‌دلیل برایم مهم بود با این نمایشگاه یک همزیستی و همذات‌پنداری با آنها برقرار کنم تا حاضران آن در حوزه روان‌شناسی بودند. کامبیز درم‌بخش، کارتونست و یکی از هنرمندان شرکت‌کننده در این نمایشگاه، در بخشی از این نشست گفت: «خوشحالم‌که به‌عنوان یک هنرمند برای کمک به این بیماری سهیم شدم». یکی از مسائلی که باید برای همه روشن شود، این است که بدانیم اوتیسم یعنی چه؟ بعضی‌ها فکر می‌کنند اوتیسم شاخه‌ای از

جعفر والی در افتتاحیه «شیش‌وبش»:

سنگلج خانه ماست

قدم می‌گذارم، به یاد این جمله نمایش‌نامه «خانه عروسک» ایسن می‌افتم که می‌گفت این خانه افتاب عزیز... اینجا هم خانه ماست. او ادامه داد: بسیاری از دوستانم را اینجا شناختم، از جمله این‌ا افراد هرمز هدایت است که همیشه چشم‌ها و لبخندش معرف اوست. به یاد دارم نمایش عروسکی‌ای را ساختم که در آن نقش پیرزنی را بازی می‌کرد که با استقبال بسیار زیادی روبه‌رو شد. امیدوارم روزی

بتوانم با همراهی دوستان دوباره کاری را روی صحنه ببرم. در ادامه این مراسم، رضا بابک نیز روی صحنه آمد و دیالوگ معروف «بودن یا نبودن» نمایش‌نامه «همלט» را اجرا کرد. این‌بازیگر پیش‌کسوت تئاتر، سینما و تلویزیون همچنین با اشاره به سابقه دوستی‌اش با هرمز هدایت عنوان کرد: من و هرمز با یکدیگر هم‌دانشگاهی و رقیب بودیم. او جزء اولین کسانی بود که نمایشی را در دانشکده روی صحنه

واقعیت این است که من به دنبال تأسیس «بانک جهانی شهرام» هستم که قرار است بازارهای بین‌المللی را نیز پوشش بدهد. در این مسیر هم برخی دوستان مطرح کردند که فیلم آن را هم بسازم، یعنی فیلم «بانک جهانی شهرام». البته هنوز فیلم‌نامه آن به پختگی نرسیده است.

● **با چه هدفی؟**

تغییر نگاه مردم به شهرام جزایری.

● **منظورناتان فیلم مستند تبلیغاتی‌است؟**

یک فیلم مثل همه فیلم‌های سینمایی که خودم هم قرار است در آن بازی کنم. منتها در این فیلم قطعا خطوط قرمز نظام را رعایت می‌کنیم.

● **کارگردان آن کیست؟**

باید بررسی کنیم.

● **با توجه به اینکه گفته می‌شود شما در زمینه مسائل اقتصادی و تجاری ایده‌های مناسبی دارید. آیا نمی‌خواهید این ایده‌ها را هم در سینما وارد کنید؟**

البته سعی مان براین بوده که هر جا حضور یافتیم منشأ اثر باشیم.

دراین‌باره هم، خب بستگی به شرایط دارد.

● **در این‌صورت راه کار کلی‌تان چیست؟**

به نظر،هم هر عرصه‌ای همچون صنعت خودرو، فوتبال، رسانه و... اگر در ابتدا به‌عنوان واحد اقتصادی در نظر گرفته شود و به اصطلاح به‌مثابه بنگاه اقتصادی تعریفش کنیم، در آن صورت می‌توان منابع مالی‌اش را برای رشد آن تأمین کرد. اصولا هر واحد اقتصادی باید توجه اقتصادی شود که دراین‌صورت صنعت سینما با سایر صنایع تفاوتی نمی‌کند.

● **سه اصل مهم برای اینکه بتوان در دنیای هنر مانه‌گار شد چیست؟**

اصالت، دروغ‌نگفتن و با صداقت رفتارکردن مهم‌ترین اصول هستند. دروغ‌نگفتن خیلی مهم است؛ اینکه خودت باشی با همه ضعف‌ها و کاستی‌هایت و سعی نکنی در عرصه هنر شبیه کسی باشی و ادا درنیآوری و تقلید نکنی. اینکه تلاش کنی خود نایت را به نمایش بگذاری، خیلی ارجمند است.

● **اگر در رشته هنری‌تان به عقب برگردید، چه آرزویی می‌کنید؟**

اگر می‌شد به عقب برگردم، آرزو می‌کردم به‌جای اینکه وقتم را صرف کسانی بکنم که امروز بشینامنم وقتم را صرفشان کردم، وقتم را تماماً صرف نوشتن کنم. به‌جای اینکه وقتم صرف بی‌شمار آدمی شود که احساس می‌کنم ارزشی نداشتند، اگر آن را صرف نوشتن می‌کردم راضی‌تر بودم.

● **اگر نمایش‌نامه‌نویس و کارگردان تئاتر نمی‌شدید، چه‌کاره بودید؟**

حتماً با کتاب‌فروش می‌شدم یا راننده‌تریلی و در بیابان کار می‌کردم. این دو شغل، برلم جذاب هستند. به‌نظرم تنهایی در جاده راندن شغل بسیار جالبی است.

● **آرزوی بزرگ زندگی‌تان چیست؟**

هنوز خیلی آرزوها دارم. با همه تلخ‌کامی‌هایم، پر از آرزو هستم. آرزوی بزرگم این است که تئاتر خصوصی در مملکت ما به معنای واقعی اتفاق بیفتد و امکانات داشته باشم که یک کمپانی بزرگ تئاتری را اداره کنم و خودم برای محصول هنری خودم تصمیم بگیرم. آرزوی بزرگی نیست اما برای ما آرزوی محال است و امیدوارم آن را به‌گور نبرم؛ چون این اتفاق تمکن مالی و یک‌سری رانت می‌خواهد که من از هر دو محروم.

● **جالب‌ترین اتفاقی که در این سال‌ها در تئاتر برایتان افتاده چه بوده؟**

متأسفانه هنوز خیلی اتفاق جالبی برایم نیفتاده است.

در بچه‌های اوتیسم پایین است مثل ترس از جدایی که در این‌بچه‌ها چنین ترسی کم است. البته گاهی این علائم تا سنین مدرسه هم کشف نمی‌شود. مهدی فیروزان، مدیر شهر کتاب، هم اهمیت مسئولیت‌پذیری اجتماعی را عاملی برای حمایت این نهاد از چنین نمایشگاهی عنوان کرد. طاهره منفرد، مدیر مؤسسه شکرانه مودت جهانی که برگزارکننده این نمایشگاه است، از دیگر سخنران‌های این نشست بود: «یک‌سال‌ونیم قبل که نام اوتیسم را شنیدم، متوجه شدم دولت آمریکا آن را به‌عنوان یکی از شاخه‌های اختلالات مغزی توصیف کرده است. در ایران هم خیلی‌ها نام اوتیسم را نشنیده‌اند و به‌همین‌دلیل ما از طریق انجمن بیماری‌ها خاص اولین همایش اوتیسم را برگزار کردیم. بعد از آن از طریق خیریه‌ها و تأسیس مؤسسه شکرانه خیریه مودت برای بالا بردن ظرفیت تربیت مربی، تحقیق و انتقال دانشجو و دعوت استادان در زمینه اوتیسمم تلاش کردیم».بهار آذر، مدیر مدرسه آفتاب، هم اظهار کرد امسال برای اولین‌بار توانسته‌اند بودجه‌ای برای آموزش درمانگر در این حوزه اختصاص دهند. نمایشگاه «هنر برای اوتیسم» تا روز ۱۵ تیر در نگارخانه شماره یک فرهنگ‌سرای نیاوران ادامه دارد.

برد. امیدوارم به‌زودی او را بر صحنه تئاتر ببینم. در بخش پایانی این مراسم، هرمز هدایت در سخنان کوتاهی بیان کرد: فعالیت حرفه‌ای‌ام را در همین سالن در ۲۱سالگی آغاز کردم؛ زمانی که بزرگانی چون علی نصیریان، عزت‌الله انتظامی، خسرو شجاع‌زاده و... در آن کار می‌کردند. به یاد دارم در آن زمان وقتی از پله‌های تماشاخانه بالا می‌رفتم، عکس بزرگان تئاتر را بر دیوار آن می‌دیدم و آرزو می‌کردم روزی عکس من هم روی آن نصب شود؛ اتفاقی که نیفتاد. نمایش «شیش‌وبش» به نویسدگی محمد چرمشیر و کارگردانی سیدجواد روشن هر شب ساعت ۱۹ در تماشاخانه سنگلج روی صحنه می‌رود.

هنر

سال سیزدهم • شماره ۲۶۲۲ روزنامه

چهار روز

نظام عامری در گذشت



● **شرق:** نظام عامری، معمار پیش‌کسوت و تنها شاگرد و همکار ایرانی فرانک لوید رایت درگذشت. به‌گزارش معماری‌نیز، نظام عامری در آبان سال ۱۳۰۵ در تهران متولد شد، او فرزند شیخ خزعل از حاکمان جنوب ایران بود. او پس از گذراندن تحصیلات پایه‌ای برای دریافت مدرک دیپلم به انگلستان رفته و پس از مدتی برای تحصیل در دانشگاه عازم آمریکا شد. او ابتدا در رشته هنر در دانشگاه کنت (kent university)، ایالت اوهایو تحصیلات خود را آغاز کرد و بعد از مدتی به معماری علاقه‌مند شد و در این رشته ادامه تحصیل داد. آشنایی او با رایت در همان سال اول تحصیلش در رشته معماری با دیدن آثار وی در کتابخانه دانشگاه، آغاز شد. عامری یک سال زودتر تحصیلات خود را در دانشگاه به پایان رساند تا بتواند هرچه سریع‌تر به مدرسه رایت بپیوندد. آن‌گونه که خودش به زیبایی بیان می‌کند، مصاحبه دشواری را برای ورود به مدرسه تالیسین (taliesin school)، در پیش داشته است. بنا به گفته‌های ایشان رایت، مدرک و درجات دانشگاهی را قبول نداشت، بنابراین مصاحبه بدون توجه به مدرک او صورت گرفته بود. فرانک لوید رایت ۸۵ ساله پس از مصاحبه، او را به عنوان شاگرد خود قبول می‌کند و پس از سیری‌کردن دو سال تحصیل در تالیسین، از ایشان در طراحی موزه گوگنهایم (Guggenheim museum)، نزد خود کمک گرفته و او را به عنوان نماینده خود در خاورمیانه معرفی می‌کند، همچنین به دلیل علاقه‌ای که به نظام عامری پیدا کرده بود، برای او منزل شخصی‌اش را طراحی می‌کند که این امر بین شاگردان رایت امری بی‌سابقه بوده است. نظام عامری پس از گذراندن دو سال پر بار نزد معمار صاحب سبک آمریکایی، به عنوان تنها شاگرد ایرانی فرانک لوید رایت، به ایران بازمی‌گردد و فعالیت حرفه‌ای خود را با طراحی و اجرای خانه‌ای در شمال تهران برای سیاحش شقاقی، آغاز می‌کند. پس از آن در سال ۱۳۴۱ دفتر معماری خود را با همکاری کمال کمونه و هرمزبان خسروی تأسیس می‌کند که حاصل کار این دفتر، اجرای بیش از ۹۰ پروژه در ایران است. او یک سال قبل از انقلاب به لندن بازمی‌گردد و فعالیت خود را در وسعت بسیار کمتری در آنجا ادامه می‌دهد. ازجمله کارهای او در انگلستان، می‌توان آتلیه هنر چلسی (chelsea art galleries) را نام برد که (Art Review)، آن را منتشر کرد و «جواهر معماری» نامید.

زیر آسمان فیروزم‌ای

علیزاده و اردلان «نهفت» را بررسی می‌کنند

● **شرق:** آلبوم تصویری «نهفت ۱» و دو دهه فعالیت گروه موسیقی نهفت، به سرپرستی جهانشاه صارمی با حضور حسین علیزاده و حمیدرضا اردلان، ۱۴ تیر ساعت ۲۱ در فرهنگ‌سرای ارسباران نقد و بررسی می‌شود. به گزارش روابطعمومی فرهنگ‌سرای ارسباران، مجموعه «نهفت ۱» با هدف به‌تصویرکشیدن دوده فعالیت گروه موسیقی نهفت با رویکرد آموزش موسیقی نوجوانان در گروه‌نوازی و تک‌نوازی در قالب سه دی‌وی‌دی تصویری با عنوان طلوع، بزرگداشت غلامحسین درویش و تولدی دوباره به سرپرستی جهانشاه صارمی، نقد و بررسی می‌شود. جهانشاه صارمی افزون بر دو دهه سرپرستی گروه نهفت، همکاری در تدوین چند کتاب معتبر موسیقی، تألیف کتاب‌های آموزش تار و سه‌تار، انتشار چندین آلبوم موسیقی و تجربه ۳۰ساله آموزش موسیقی گروه سنی کودک و نوجوان را در کارنامه هنری خود دارد. این مدرس موسیقی معتقد است: «موسیقی نه به‌عنوان وسیله‌ای برای تفنن بلکه به عنوان ابزاری برای بیان ارزشمندترین تفکرات و عواطف انسانی، سرلوحه آموزش‌های هنرجویان نوجوان گروه نهفت قرار می‌گیرد». ازاین‌رو، حیات و تداوم فعالیت این جریان فرهنگی را علاوه بر آموزش‌های اصولی و آکادمیک موسیقی در تفکر هنری و اعتقادات حاکم بر فضای آن می‌توان جست‌وجو کرد. همچنین امیرعباس ستایشگر، مدیر مؤسسه فرهنگی – هنری هنر موسیقی ناشر این مجموعه آذغان دارد: «نگاهی گذرا به اسامی نوجوانانی که در این سال‌ها در این مرکز آموزش دیده‌اند نشانگر ظرفیت، توانایی و پشتکار «نهفت» است چراکه همان هنرجویان، امروز از هنرمندان موفق موسیقی هستند. نباید فراموش کرد مسئولیت این نوع حرکت‌های فرهنگی برعهده دولت و نهادهایی است که ضمن برخورداری از بودجه و امکانات مختلف، وظیفه رشد فرهنگ و هنر را بر دوش دارند و دراین‌میان «نهفت» توانسته است امکانات اندک، نقش یک نهاد فرهنگی و معتقد را ایفا کند».از گروه نهفت تاکنون چهار آلبوم صوتی با عناوین «ایران هنگام کار است»، «شمارچواین» «دستور قدمماتی تار و سه‌تار» و «تولدی دوباره» منتشر شده است. علاقه‌مندان برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند به فرهنگ‌سرای ارسباران به نشانی خیابان شرعیته، سیدخندان، خیابان جلفا مراجعه کنند یا با تلفن‌های ۲۰-۲۲۸۲۸۸۱ تماس بگیرند.